

نامه سرگشاده به رهبری

عبدالعلی بازرگان (اول تیرماه ۱۳۸۸)

جناب آقای سید علی خامنه ای، نمیدانم با چه زبان و از کدامین ظلم و جنایتی با شما سخن بگویم که مشفقان و دلسوختگان ملت نگفته باشند؟ در نظام متمرکز و مطلقه ای که همه راهها منتهی به رأی و تصمیم شخصی شما گشته، نامه‌های ناصحانه متعددی در ارتباط با تقلب انتخاباتی و سرکوب خونین معترضین به جنابعالی نوشته شده که هیچکدام هم پاسخی دریافت نکرده‌اند. بنده نیز امیدی ندارم این نوشته از کانال‌های کنترل شده ارتباطی بیت بگذرد و به رؤیت شما برسد، با این حال بنا به وظیفه ملی و دینی خود نکاتی را یادآور می‌شوم.

در نظام ولایت مطلقه فقیه، شما و تئوریسین‌های این تز مدعی هستید مشروعیت خود را نه از آراء اکثریت مردم، بلکه از پیوند به ولایت اهل بیت مطهر پیامبرمکرم اسلام^ص می‌گیرید. سرسلسله ولایت و عرفان در مکتب تشیع امیرالمومنین علی(ع) است که دیدگاه سیاسی خود و معیارهای مطلوب حکومتی را در "عهدنامه‌ای" که به "منشور حکومت اسلامی" شهرت یافته، تدوین کرده است. عهدنامه‌ای که برای اداره سرزمین بزرگ مصر به "مالک اشتر" سپرده تا در ماموریت خطیر خود به عدالت رفتار کند. بنابراین بر آن شدم عملکرد شما در وقایع خونبار اخیر را در عرضه به این منشور، که تبلور عصاره تجربیات حکومتی نخستین امام مکتب تشیع است، مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهم. گرچه این نکات را بهتر از من می‌دانید، اما خواستم به مصداق: "فذلک فان الذکر تنفع المومنین"، هرچند خوشایند شما و چاپلوسان نباشد، هم یادآوری کرده باشم، و هم به کسانی که ولایت شما را از سنخ همان ولایت می‌دانند تفاوت زمین تا آسمان را به توفیق حق نشان دهم.

الف - بدینی ملت به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، میلیون‌ها ایرانی آزاده، به حق یا باطل، شما را در حوادث اخیر به خاطر حمایت بی دریغتان از رئیس جمهور و تقلب آشکار انتخاباتی همکاران او، عامل اصلی تشنجات و کشتارها می‌دانند و سیاست‌های یک طرفه و استبدادی شما را محکوم و عدالت و صلاحیت رهبری‌تان را انکار می‌کنند. جنابعالی مسلماً چنین قضاوتی را بر نمی‌تابید، اما مدعی پیروی از کسی هستید که (در همان عهدنامه) فرمود:

اگر ملت بر تو گمان ستمگری برد (حکم ترا ظالمانه بشمارد)، عذر خویش را با شفافیت تمام برای آنها بیان کن و بدگمانی مردم را با دلائل روشن از خود دور ساز. مسلماً در این (تمکین به حقوق و حاکمیت مردم) ریاضتی است که باید بر خود دهی، و رفاقتی است با مردم، و رسیدنی است به آرمانت که باید برپاداشتن مردم در راه حق باشد (بند ۱۳۰ عهدنامه).

اما شما جز تأیید شتابزده صحت انتخابات پیش از زمان قانونی آن و مردود شمردن ادعای مخالفین بر تقلب درامانت آراء، نه تنها هیچ دلیل و منطقی جز پافشاری بر درستی و "شیرینی" آن ارائه ندادید، بلکه نیروهای سرکوب تحت فرمانتان را از "تلخی" عواقب کشتار منع نکردید. در حالی که باید به جای تهدید و توبیخ، با عدالت و انصاف و عذرخواهی از ملت، آنها را آموزش و رشد می‌دادید.

با وجود بسته شدن خبرگذاری‌ها و همه امکانات و ابزار رسانه‌ای قابل کنترل، برای بی‌خبر نگه داشتن توده‌های مردم از سرکوب سازمان یافته حاکمیت، به نظر نمی‌رسد برای شما محدودیتی برای آگاهی از عوارض این قلع و قمع باشد. آیا هرگز گزارش و عکسی از شهدا و مجروحین وقایع اخیر را به سمع و نظر شما رسانده‌اند؟ آیا می‌دانید نزد خدا و خلقش، به عنوان تصمیم گیرنده اصلی و مسئول مستقیم آنها پاسخگوی در دنیا و آخرت هستید؟ از دو حال خارج نیست؛ یا می‌دانید، یا نمی‌دانید. این سؤال را رهبر سلف شما در آستانه انقلاب از شاه کرد. آیا به یاد نمی‌آورید؟

اختلاف میان مقام رهبری و ملت، امری بسیار طبیعی و عادی در سایر کشورهاست، در نظام ولایت فقیه، همواره این مردم هستند که صغیر و مهجور و محتاج سرپرستی هستند و حق همیشه با رهبری است و نظر او "فصل الخطاب" و "حکم حکومتی" اش حذف کننده هر حرکت فکری است. اما در همان "عهدنامه"، در تنازع احتمالی رهبر با ملت (مشابه چنین حوادثی)، تصریح شده است طرفین موظفند به کتاب و سنت (قانون) مراجعه نمایند و رهبری هیچ حق ویژه‌ای بر دیگران ندارد (بندهای ۶۳ تا ۶۵).

جناب آقای خامنه‌ای، اینک متأسفانه میان شما و بخش عظیمی از ملت اختلاف و فاصله‌ای عمیق افتاده است که در صورت لجاجت و بی‌اعتنائی به حقوق مردم، می‌رود خدای ناکرده به جنگی داخلی و برادرکشی منتهی شود آثار چنین فتنه‌ای که تا ابد بر پیشانی عاملان آن باقی می‌ماند، نام نیکوئی از شما باقی نمی‌گذارد.

توجه تان را به تصویر زشتی از این اوضاع در فرازی دیگر از عهدنامه جلب می‌کنم:

اگر ملت بر رهبری چیره گردد (نظام مدیریت گسسته شود) یا رهبری به ملت ستم کند، در این هنگام اختلاف کلمه پدید می‌آید و نشانه‌های زورگوئی قدرت آشکار می‌گردد، فریب کاری‌های دینی زیاد می‌شود، عمل به سنت‌های نیکو متروک می‌ماند، هر کس به دلخواه عمل میکند، احکام معطل می‌ماند، دردها و بیماری‌های (جسمی و روحی) مردم افزون می‌شود، هیچ کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه ندهد (بی‌تفاوتی مردم). در این هنگام نیکان به خواری و بدکاران به عزت می‌رسند (خطبه ۱۶۰).

ب- انتقاد به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، علی (ع) که شما سالی را به یاد او نامگذاری کردید، در همان آغاز خلافت، صریحاً مردم را به حق گوئی (انتقاد) از خود و نظردهی (مشورت) دعوت و تأکید کرد: "من بالاتر از این نیستم که اشتباه نکنم، مگر آنکه خدا کفایت کند" (خطبه ۲۱۶) و در متن عهدنامه معروف خود به مالک هشدار داد:

باید نزدیک‌ترین وزیرانت از نظرقرب مقام کسی باشد که **بیشترین حرف تلخ حق را به تو میزند** و آنگاه که عملی از تو سر می‌زند که خدا از اولیانش ناخوش دارد، کمترین یاری را به تو می‌رساند، ... همکارانت را به جد بیاموز تا تو را ستایش و بی‌جهت تجلیل نکنند. (بند ۳۳)

شما اگر در حوادث اخیر به جای دستگیری گسترده رهبران گروه‌های سیاسی و صاحب نظران دلسوزملک و ملت، از بیم واهی بهره برداری از نیروی خشم ملت، و اعتمادتان به تحلیل‌های اطرافیان، طبق فراز زیر با آنان گفتگو و رایزنی می‌کردید، آیا به صلاح خودتان و ملک و ملت مظلوم نبود؟ تا آنجا که می‌توانی با دانایان و حکیمان (کارشناسان) در تثبیت آنچه امور کشور را به اصلاح و مردم را به پا می‌دارد مذاکره کن. (بند ۴۰)

رهبران فکری و سیاسی مردم که جای خود دارد، شما طبق این عهدنامه وظیفه دارید بخشی از اوقات هفته را به شنیدن نظریات کسانی که به شما انتقاد دارند، اختصاص دهید:

باید قسمتی از اوقات خویش را به کسانی که مطالباتی از خودت دارند اختصاص دهی و در مجلسی عمومی که نهایت تواضع را به خاطر خدا انجام می‌دهی، بدون حضور نیروهای نظامی، حراستی (امنیتی) و پلیس، شخصاً حضور یابی تا گویندگان (شاکیان) بدون لکنت زبان با تو سخن بگویند، که من از رسول خدا، نه یکبار، که به کرات شنیدم که می‌فرمود: هرگز نظامی را که حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی ستانده نمی‌شود، نمی‌توان نظام مقدس (پاک و مبرای از عیب) شمرد... (بندهای ۱۰۹ تا ۱۱۱)

جناب آقای خامنه‌ای، هواداران شما با کدام معیار، حکومتی را که مطالبه امانت در آراء انتخابات را با ضرب و شتم و ابزار قتاله پاسخ می‌دهند، نظام مقدس!! می‌شمارند؟ شما وقتی کارهای بزرگ را به اشخاص کوچک می‌سپارید، برای حفظ موقعیت خود از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌کنند. به راستی منطق شما در حمایت مستمر از آقای احمدی نژاد، که مملکت را با عملکردش در آستانه نابودی قرار داده، جز نزدیکی به افکار خودتان، آنچنان که در نماز جمعه گفتید، چیست؟ نمازی که فرصت استثنائی خدائی بود تا جامعه را با قبول تقلب و قضاوت منصفانه خودتان به آرامش بیاورید. اما در "عهد نامه علی" آنگاه که ضوابط گزینش کارگزاران را: داشتن تجربه، حیاء، خانواده صالح، سابقه در اسلام پیشگام (نه متحجر)، اخلاق کریمانه، بی‌طمعی مالی، عاقبت اندیشی و ... تبیین میکند به گونه دیگری توصیه شده است:

کارگزارانت را پس از آزمایش به کار بگمار، نه با تمایل شخصی و رأی فردی. که این شیوه ظلم است و خیانت (به ملت). (بند ۷۲)

ج - سرکوب مخالفین

کشتارهای فجیعی که در برخورد با دانشجویان و یا در تظاهرات مسالمت آمیز خیابانی در حوادث اخیر توسط نیروهای تحت فرمان مستقیم و غیر مستقیم شما رخ داده است، تماماً حکایت از عزم راسخ آن مقام در قلع و قمع مخالفینی می کند که جز تجدید انتخابات مهندسی شده درخواست دیگری ندارند. گویا فدا شدن هزاران نفر برای به کرسی نشاندن تصمیم رهبری و نادیده گرفتن میلیونها درخواست منطقی اهمیتی در نظام ولایتی شما ندارد!؟ اگر از خاطر نبرده باشید، ۵۶ سال قبل در بیدادگاه نظامی شاه، وقتی مرحوم طالقانی و سایر سران نهضت آزادی محاکمه می شدند، مهندس بازرگان پس از دریافت محکومیت ده ساله خود خطاب به تیمسار "قره باقی" رئیس دادگاه گفت:

ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و به شیوه مسالمت آمیز با شما سخن می گوئیم. با محکوم کردن ما ملت خاموش نمی شود بلکه با زبان دیگری با شما سخن خواهد گفت.

ده سال بعد حرکت های چریکی در جنگل های "سپاهکل" و عملیات مسلحانه شهری جایگزین مبارزات مسالمت آمیز پارلمانی شده بود. تشکیلات شما استثنا نیست و قوانین الهی شیخ و شاه نمی شناسد.

شما این سخت سوری و قاطعیت را به نفع نظام ولایتی می دانید، اما در فراز دیگری از منشور حکومتی علی (ع) نظر دیگری عنوان شده است:

ترا هشدار میدهم در باره خونها (جان مردم) و خون ریزی به ناحق. زیرا هیچ عاملی بیش از کشتار به ناحق موجب بروز نابسامانی های اجتماعی (نقمت) و پی آمدهای تخریبی عظیم و زوال و بریده شدن مدت (حکومت) نمی گردد مبدا پایه های سلطنت خویش با ریختن خون حرام تقویت کنی که چنین شیوه ای نه تنها موجب تضعیف و سستی ارکان حکومت، بلکه زوال و انتقال آن (به نظامی دیگر) می شود. (بند ۱۴۱)

جناب آقای خامنه ای، شما که اجازه نمی دهید خبرنگاران داخلی و خارجی از صحنه هایی که هواداران آفریده اند، فیلم و گزارشی تهیه کنند، آیا مستقل از فضا و فیلتری که پیرامونتان ایجاد کرده اند هرگز فرصت کرده اید نیم نگاهی به عکس ها و فیلم هایی که جوانان جسور با موبایل های خود از جنایت های مأمورانتان گرفته اند بیندازید؟ آیا حمله نیروهای سرکوبگر در لباس شخصی را که همچون گرگ به جان جوانان برومند وطن افتادند دیده اید؟ مگر امام علی (ع) در همان عهدنامه هشدار نداده بود:

مبادا، همچون درندگان به جان مردم افتاده و خورد نشان را غنیمت بشماری. آنها از دو حال خارج نیستند؛ یا برادر دینی تواند و یا هم نوع تو (بند ۹ و ۱۰).

البته شما در نماز جمعه با فرافکنی زیرکانه ای مسئولیت این جنایت ها را به گردن "تروریست های نفوذی" انداختید که در پوشش تظاهرات خیابانی ضربات تروریستی خود را وارد می کنند. عجبا، چگونه است که تروریست ها اهداف خود را همواره از میان دانشجویان معترض دانشگاهها و در میان مردم عادی انتخاب می کنند!؟

گفتید: "اینکه بروند دانشگاه و جوان دانشجوی مؤمن و حزب الهی را آنهم با شعار رهبری مورد تهاجم قرار دهند دل انسان را واقعا خون می کند!" اگر چنین احساسی صادقانه است، چرا برای یکبار هم که شده دستور نمی فرمائید نیروهای انتظامی شما با نیروهای رسمی با لباس شخصی برخورد و آنها را دستگیر کنند؟

امام علی به مالک اشتر، با آنکه مطمئن ترین یاور او بود، در دفاع از حقوق مردم تازه مسلمان مصر و پرهیز او از اتخاذ شیوه های خشن در برخورد با مردم فرمود:

اگر به خطا کسی را کشتی یا تازیانه ات، یا شمشیرت، یا دستت در عقوبت از حد گذرانید، یا با مشت و بالاتر از آن، به ناخواسته مرتکب قتلی شدی، نباید گردن کشی و غرور قدرت تو مانع آید که خون بهای مقتول را به خانواده اش بپردازی.

جناب آقای خامنه ای، در نظام ولایتی شما خونبها که پیش کش! جنازه جوانان را هم به خانواده هاشان به راحتی تحویل نمی دهند تا بر آنان عزاداری کنند!؟ این است رأفت و عطف اسلامی ادعائی شما!

شما با تحریک عواطف مذهبی نمازگزاران، بخش عظیمی از ملت را فریب خوردگان یا وابستگان به بیگانه شمرده و مرتکب ظلم عظیمی می‌شوید. شما ناله و نفرین مادران داغدار و فرزندانشکنجه شده آنان را نمی‌شنوید اما در نظام خداوند سميع و علیم ناله والدین "ندا"های مقتول بدون جواب نمی‌ماند.

(بند ۱۹) هیچ عاملی برای تغییر نعمت‌ها (راحت و رفاه و امنیت و آزادی) در جامعه و شتاب گرفتن نعمت‌ها (نومیدی، اعتیاد، فساد، فحشاء و ...) مؤثرتر از قدرت گرفتن یک حکومت بر پایه ظلم نیست. زیرا خداوند شنوای دعای شکنجه دیدگان و در کمین ستمگران است.

د - شخصیت پرستی مشرکانه

جناب آقای خامنه‌ای، ملت ما در انقلاب سال ۵۷ از طاغوت زمان که نماد طغیان استبدادی یک فرد بود، نجات یافت و به حاکمیت ملی رسید. اینک پس از ۳۱ سال، گرچه ظواهر و عناوین عوض شده، اما همچنان در بر همان پاشنه می‌گردد و اکثریت ملت در نظام ولایت مطلقه و شورای نگهبان و سایر نهادهای وابسته، از حاکمیت خود محرومند. شیوه‌های شخص پرستی و بت سازی مشرکانه از مقامات و تملق و چاپلوسی، سکه رایج زمانه است و بر خلاف امام علی که در طرد و دفع متملقین فرصت طلب از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد، متأسفانه دیده نمی‌شود مقام رهبری ابراز برائتی از چنین چاپلوسانی کرده باشند. گویا این فراز زیر از عهدنامه به کلی فراموش شده است:

هرگاه از اقتدار خویش احساس ابهت و اوج خیال (در آسمان جاه و مقام) کردی، نگاهی به عظمت ملک خداوند بر بالای سرت بیفکن و قدرت او را بر خویش، که فاقد آنی، در نظر بگیر. با چنین به خود نگرستی سرکشی تو تسکین می‌یابد، تند و تیزی تو فرو می‌کاهد و عقل و خردی که از تو گریخته باز می‌گردد (بند ۱۴).

ر - عدالت پروری

انتظار ملت از شما چیزی جز انصاف و عدالت و ترجیح حقوق ملت بر تمایلات خودتان نیست، شادمانی شما نیز، آنچنان که در عهدنامه آمده است، نباید جز اجرای عدالت و جلب رفاه و رضایت مردم باشد. این سخن امامی است که یکسره از ولایت او داد سخن می‌دهید:

بهترین مایه شادمانی رهبران باید بپا داشتن عدالت در شهرها و پدیدار شدن دوستی (طرفداری) ملت باشد و چنین دوستی حاصل نمی‌شود، مگر با خوش بینی‌شان و این نیز حاصل نمی‌شود جز با گرد آمدنشان پیرامون مسئولین امور و سنگین نشمردن بار دولت آنها بردوش خود و ترک آرزوی سر آمدن دوران زمامداری‌شان (بند ۵۸).

جناب آقای خامنه‌ای، پایان بخش نامه خود را مقدمه عهدنامه امام علی قرار می‌دهم، مقدمه‌ای که به هنگام اعزام مالک اشتر به سرزمین فراعنه، نوشته شده است:

ای مالک، بدان که تو را به سرزمینی فرستاده‌ام که پیش از تو دولت‌ها دیده، برخی دادگر و برخی ستمگر. و مردم در کارهای تو به همان چشمی می‌نگرند که تو در کار رهبران پیش از خود می‌نگری و درباره تو همان می‌گویند که درباره آنان می‌گویی و نیکوکاران را از آنچه خدا بر زبان مردم جاری می‌سازد توان شناخت.

میهن عزیز ما بیش از ۲۵ قرن است در سلطه سلسله سلاطینی، عموماً ستمکار زیسته است، زمان زیادی ندارید تا قضاوت بندگان خدارا عوض کنید. آریامهر!! آنگاه صدای انقلاب مردم را شنید که فریاد "مرگ بر شاه" همه فضای شهر را پر کرده بود. به نصیحت امیرمؤمنان گوش دل بسپارید که فرمود:

کفایت کار مردم به عهده تو قرار گرفته و خداوند ترا در رفتار با ملت امتحان می‌کند. پس خود را در جنگ با خدا قرار مده که قدرتی در برابر انتقام او نداری و نیز بی‌نیاز از عفو و رحمتش نیستی (بند ۱).

... و ما ریدان اخالفکم الی ما انهیکم عنه ان ارید الاصلاح ما استطعت و ماتوفیقی الابالله علیه تو کلت و الیه انیب (هود ۸۸).